

سخنرانی آقای صبور قرچه داغی در باشگاه انجمن
روابط ایران و امریکا ۱۶ بهمن ماه ۱۳۳۵

بانکهای امریکا

همچنانکه لذت زندگی در تنوع آنست حسن فعالیت این انجمن هم در جور بجزور بودن برنامه سخنرانی آن میباشد که تحت نظر دقیق و استادانه جناب آقای دکتر صدیق انجام میگردد حسن دیگرش اینست که ایشان میل دارند حتی الامکان مطالب سخنرانیها جنبه فنی و جدیدی کمتر و حالت نشاط و خودمانی آن زیاد تر باشد تا اسباب خستگی حضار فراهم نگردد. بنده با اینکه مطالعاتم در بانکها بیشتر در رشته های فنی حسابداری و بازرسی بوده سعی خواهم داشت داخل تکنیک نشوم. و اگر صحبت از بانکها آن مزه ایرا که مثلا کنفرانس موسیقی آقای برکشلی داشت ندارد با و جود این بدلیخوشی آهنگ معروف ایشان « امیدوار باش تو هم بمقصود خواهی رسید » امیدوارم سخنانم کسالت فراهم نیآورد.



آقای صبور قرچه داغی پایور
بانک ملی ایران

بعد از اینکه شخص مدنی در بانکهای امریکا مطالعه کرد و عملیات آنها را دید اولین نکته ای که در نظرش جلوه میکند سازمان کشوری و تأثیر قوانین کشورهای متحده امریکا در بانکداری آن میباشد. در امریکا دو نوع قوانین مؤثر بانکی وجود دارد. یکی قوانین ایالتی (مقصود از ایالت یک استیت است) دیگری قوانین

فدرال. اولی را امریکاییها State Laws مینامند دومی را Federal Laws همواره بعضی قوانین ایالتی رشته هائیرا در بانکداری اجازه میدهد و امور برای آنها تعیین نموده و در مقابل قوانین فدرال هم گاهی بانکات مجاز ایالتی مخالفت داشته و هنگامی با آن موافقت مینموده است بعد از یک جریان صد و پنجاه ساله از کشاکش این قوانین بانکداری امریکا وضعی پیدا کرده است که خلاصه آن مطابق عقاید بانکداران بزرگ امریکا از اینقرار است:

تاریخ مختصر بانکداری
« در یکصد و پنجاه سال گذشته بانکداری کشور های متحده از صورت کار پرداز و سایل پرداخت با اسکناس، بصورت کار پرداز و سایل پرداخت با سپرده های تابع چک درآمد است. بعنوانی دیگر از صورت یک شغل ممتاز غیر قانونی بصورت کاری قانونی رقابتی در آمده و شرایط وسیع بازرسی دارد. در اینمدت بانکداری از حال فعالیت یک مؤسسه انفرادی بیرابطه با دیگران بحالت یک مؤسسه مربوط با جامعه در تحت سیستمی معین تغییر یافته. با وجود این باز هم بانکداری امریکا هم آهنگ نیست زیرا که در امریکا بانکهای ملی هست. بانکهای کشوری عضو هست بانکهای بیمه شده کشوری و همچنین بیمه نشده کشوری هست (هر نوع شفاهاً توضیح داده شد) و تمام این بانکها تحت نظارت حکومتهای مختلف کشورهای ۴۹ گانه (بدر نظر داشتن آلاسکا) و بازرسی نمایندگیهای حکومت فدرال میباشد. رویهمرفته بانکداری امریکا از لحاظ تعداد و انواع مختلف توسعه یافته

آن جالب توجه می باشد. زیرا که فعلاً بیش از ۱۸۶۰۰ اداره بانکی در این کشور وجود دارد که ۱۴۵۰۰ آن بانک و بقیه شعب میباشند. در دوره گذشته بانکداری در امریکا گاهی قدغن گاهی انحصاری، گاهی آزاد بوده است. گاهی دولت فدرال و گاهی حکومت ایالتی در بانکها مسئولیت مالکیت را اتخاذ مینموده اند گاهی هم حتی از مسئولیت نظارت آن سرباز زده اند. این دونوع دولت چندی با هم رقابت داشته اند دولت فدرال گاهی از میدان در میرفته و بازا با طرحی قانونی برای شرکت با حکومت ایالتی داخل معرکه میگشته است. در نتیجه طی این مراحل قانونی اسباب حفاظت بستانکاران یعنی مشتریان با وسایل مختلف فراهم گشته است. برای کنترل ذخیره بانک مرکزی - استرداد پول - بانکداری کارگزاری و عملیات کلرینک حوس (مبادله) اقدامات بسیار شده. افزایش تجربه بانکهای امریکا در این مدت و ادامه آنها به عملیات مدیرانه و مدبرانه از ورشکستی بانکها و بنگاههای مالی کاسته است.

باید دانست که بانکداری از اقتصادی که بآن کمک میکند جدا نیست. ضعف وقوه بانکداری در ضعف و توانائی اقتصاد مؤثر است. از طرفی بانکداری تابع تکانهائیت است که از بعضی تشنجات اقتصاد بآن وارد می آید. بانکداری در امریکا از انقباض و انبساط اقتصاد پیروی کرده است. در زمان انبساط افزایش داشته و هنگام انقباض بارزبان خود را بردوش سپرده و گذارندگان یعنی مشتریان و سهامداران و بطور غیر مستقیم بر شانه ملت گذارده است. در هر حال عقیده بانکداران و اقتصادپون امریکا بر اینست که تاریخ بانکداری در آن کشور حاکی از اولسیون ثابت آن نبوده بلکه نماینده يك سلسله صعود و نزول می باشد» این بود خلاصه ای از تاریخ بانکداری در امریکا.

فعلاً بطور کلی بانکهای امریکا سه نوعند. مرکزی - بازرگانی - پس انداز

بانکهای مرکزی بعد از مدتها تجربه و دادن اختیارات پولی و اقتصادی به بانکهای

مختلف بالاخره در ۱۹۱۳ با همت « ودر و ویلسن » بانکهای مرکزی بصورت جدی و جدید خود در امریکا ایجاد شدند. عملیات این بانکها با روشی اداره میشود که عنوان « فدرال رزرو سیستم » دارد. فدرال رزرو سیستم عبارت است از دوازده بانک مرکزی بزرگ و دوازده ناحیه کشورهای متحده و هر ناحیه آن شامل يك یا چند کشور میباشد. تمام این دوازده بانک و ۲۴ شعبه آنها تابع يك شورای عالی میباشند که مرکزش در شهر واشنگتن است. این شورا علاوه بر حاکمیت روی بانکهای مرکزی سمت مشاور دولت کشورهای متحده را نیز در مسائل مالی و اقتصادی دارد.

هر يك از دوازده بانک مرکزی اسکناس و پول خود را تحت شماره و علامات خود نشر داده سعی میکند موجودی پول خود را در ناحیه خودش نگهدارد. ترتیب طوری داده شده است که هر وقت مقداری از پولهای يك ناحیه به بانک مرکزی ناحیه دیگر رفت بانک دومی آنرا بناحیه اولی برمیگرداند. هر بانک مرکزی ذخیره پولی خود را یعنی پشتوانه پول را نزد خود نگهدارد. سایر بانکهاییکه در ناحیه يك بانک مرکزی هستند غالباً عضویت بانک مرکزی را دارند تقریباً ۱.۶۰ تمام بانکهای امریکا که قریب هشتاد و پنج درصد کلیه سپرده های مردم در آنهاست عضو بانکهای مرکزی هستند و تابع فدرال رزرو سیستم میباشند.

خدمات بانکهای مرکزی بانکهای عضو از سیستم رزرو مورد بحث استفاده های فراوان

بانک های امریکا

میرند استفاده اول خدمات آنست . هر کدام از این بانکها که بابانک دیگری روابط چکی یا برواتی دارد وصول و ایصال آنرا بعهده بانک مرکزی ناحیه خود وامیگذارد و مبالغ مربوطه از محل حسابهای ذخیره آنان در بانک مرکزی تسویه میگردد از نظر اعتباری هر وقت موجودی بانکی برای اعتبارات خودش کم شد به بانک مرکزی ناحیه خودش متوسل میگردد و از راههای مقررانی و مناسب کسریهای خود را ترمیم مینماید . هر روز هر قدر موجودی مسکوک و پول هر بانکی لازم دارد از بانک مرکزی میگردد و پولهای اضافی خود را ببانک مرکزی منتقل میسازد و خدمات دیگر یکه فعلاً برای توضیح آن وقت نیست .

فدرال رزرو بانک نیویورک یکی از بانکهای مرکزی یا مهمترین آنها بانک مرکزی

نیویورک میباشد که موسوم به فدرال رزرو بانک نیویورک است . مهمی آن از این لحاظ است که بیشتر عملیات خارجی امریکا و معاملات طلای امریکا بعهده این بانک میباشد . مشتریان این بانک مرکزی فقط بانکها هستند جزعهده معدودی اشخاص متفرقه یعنی فقط بانکهای دیگر امریکا و یا بانکهای مرکزی سایر کشورهای دنیا با آن سروکار دارند و اقلام مورد عمل این بانک غالباً در سمت راست چندین صفر نشان میدهند .

اداره صندوق از جاهای دیدنی فدرال رزرو بانک نیویورک یکی اداره صندوق آنست

یک قسمت آن اسکناسها را دریافت و توسط ماشینهای مخصوص هر طبقه یعنی اسکناسهای از یک مبلغ را شماره و دسته بندی میکند قسمت دیگر مسکوکات را دریافت و با ماشینهای مخصوص نقود از هر مبلغی را بطور سریع و حیرت آور از هم جدا و به مبالغ مخصوصی دسته و آنها را در لوله های مقوایی جا میدهد تا برای حمل و استفاده حاضر شود ضمناً این ماشینها مسکوکات جعلی و خراب را آشکار نموده و بیرون میدهند . دیدنیهای دیگر هم در این اداره بسیارند که توضیح آنها انشاء الله سر فرصت داده میشود .

اداره چکها قسمت دیگر جالب توجه این بانک اداره چکها و ترانزیت آنست که هر روز هزاران

چکها و اوراق را دریافت و تقسیم و توزیع میکند همه جای این اداره پر از ماشین است . جالب توجهتر از همه اینست که بیشتر کارمندان این قسمت خانمها و مخصوصاً دوشیزگان با شوق و چابک هستند . در امریکا بانبات رسیده است که ماشینهای بانکی و دستی از خانمها بهتر اطاعت میکنند تا آقایان . دیگر نمیدانم رمز این نکته در کجاست ! در این اداره برای اینکه از ذوق و حرکت و نشاط کارمندان آن استفاده کامل ببرند دائم موسیقی در کار است . بلندگویی دارد که همواره بهترین آهنگهای محرک و نشاط انگیز را بخش میکند و در نتیجه چکها خود بخود بخش میشوند !

اداره پلیس فدرال رزرو بانک گروهان پلیس مخصوص نیز دارد که در نظافت و ترتیب

و شخصیت ممتاز میباشد . بانکیکه نگهبان و امانت دار بانکهای دیگر است و تنها طلای کشورهای مختلف را حفاظت مینماید باید هم چنان پاسبانانی داشته باشد .

خزانه بانک استحکام کار و بزرگی تصمیم این بانک در حفظ حیثیت و مسئولیت خود

وقتی بیشتر در نظر من جلوه کرد که خزانه های طلای آنرا بمن نشان دادند . خزانه بزرگ بانک در زیر بنای آن و در دل صخره ای جا گرفته که دوارتفاع ۵۰ فیت از سطح دریاست و دو طبقه عمارت پائین تر از سطح خیابان شهر واقع گشته و با آسانسور بآن داخل میشوند . قبلاً از چند در تحت الحفظ باید گذشت

و داخل اداره داخلی خزانه گردید. در داخل آن عده‌ای کارمندان قدیمی و با شخصیت از شما استقبال میکنند. سپس در مدور و بزرگ فولادی خزانه نمودار میشود. نظیر آنرا در جای دیگر دیده بودم میگفتند نود تن وزن دارد. دارای منگنه‌ها و دنده‌های زیاد است. برای باز شدن آن باید ابتدا کف اطاق اداره خزانه را که محرك بودن آن هیچ بر وارد شونده معلوم نیست با فشارد که مخصوص بیکطرف بزنند



يك نمونه در میکانیکی فولادین خزانه بانکهای امریکا

تا در خزانه از مانع رد شود و بعد از آن میتوان با بکار بردن کلیدها و رمزها و کارهای مخصوص در را باز نمود.

بانك های امریکا

بطور کلی تمام بانکهای بزرگی که درهای میکانیکی سنگین از این نوع دارند باز کردن و بستن درهاشان با سیستم علمی و مکانیکی مرتبی انجام میگیرد. در نیویورک در اداره مخصوصی که با پلیس مربوط است دستگاهی وجود دارد که کلیه درهای خزانه های بانکها با آن مربوط میباشند. آن اداره کنترلر و مسئول باز کردن و بستن خزانه ها میباشد روی هر در خزانه دستگاهی عیناً مانند ساعت بانفوتنهائی وجود دارد که حتی توانی را بصراحت نشان میدهد. عصرها یا شبها سر ساعت معین وقتیکه در خزانه بسته شد عقربك آن دستگاه را روی دقیقه و ثانیه مخصوصی که باید در آن وقت صبح در خزانه باز شود قرار میدهند و اداره کنترلر هم متوجه این امر است. دیگر تا آن ساعت معین غیر ممکن است بتوان در خزانه را باز نمود هیچکس حتی رئیس بانك قدرت باز کردن آنرا نخواهد داشت تا وقتیکه در وقت معین با عملیات مخصوص و اجازه کنترلر باز کنند پارسال يك بانك بزرگ روزی بفکر اینکه فردا تعطیل خواهد بود برای دوروز در خزانه خود را بست اتفاقاً فردا سایر بانکها بعمل پرداختند او هم مجبور شد اداره خود را باز کند ولی مجبور گردید برای عملیات روز مبلغ هنگفتی از بانك بزرگ دیگر وام بگیرد.

کنترل خزانه با آینه های انعکاس علاوه بر دستگاه مزبور در بعضی از بانکها

احتیاطهای دیگر هم که اصولاً غیر لازم بنظر میرسد از نظر تکثیر اعتماد ترتیب داده اند. مثلاً در خزانه بانك کارانتی تراست در ارتفاع چند متری خزانه در دور دیوار دوم خزانه پنجره هائی وجود دارد که وقتیکه از آنها بداخل نگاه کنید با کمک آینه های انعکاس وضع دیوارهای خزانه در پائین پیداست. پلیسهای مخصوص دائم بنوبت از این پنجره ها دیده بانی میکنند دور دیوار خزانه تمام با سیمهای الکتریکی شفته شده (توضیحات شفاهی بیشتر)

در خارج محوط خزانه بانك فدرال رزرو جائیکه برای بانکهای دیگر بول حمل و نقل میکنند همواره چند مسلسل هم برای استقیال از گنکسترهای احتمالی وجود دارد.

فعالیت باشگاه بانك فعالیت باشگاه ورستوران این بانکهم از دیدنیهای شیرین بود.

با شاکهشان دارای تمام قسمتهای تربیتی و فیزیکی است. کتابخانه قرائتخانه سالن رقص و سخنرانی سالن راحتی و همه چیز دارد کارمندان در یکساعت وقت ناهار که وسط روز بآنها داده میشود در سالن پر بیج و پیکر میزنند یا در نیمکتهای راحتی لمیده حتی کسر خواب شب را با چرت مختصر تلافی میکنند. جوانها در همان وسط روز در سالن بازی به باسکت بال یا بینک پنگ یا تنیس داخلی پرداخته و سر ساعت کار با انرژی تازه بانجام کار بانك مشغول میشوند. فعالیت رقص و مهمانیهای باشگاه رشته ایست که علایق و روابط کارمندان را با یکدیگر محکم کرده و بر شیرینی مناسبات زندگانی فامیلی و شخصی آنها می افزاید.

فلسفه سخت نگیر يك اصل مهم در همه جای امریکا محسوس است غالباً میگویند (ریلاکس) یعنی

راحت کن و بمعنی ساده تر یعنی لم بده. یا که میگویند (تیک ایت ایزی) بفارسی ساده یعنی سخت نگیر این ملت فعال و تند کار بعد از طی يك دوره عجله و کار زیاد که خودشان آنرا «راش» مینامند. باین نتیجه ثابت علمی رسیده است که باید هر چه میتوان به بدن راحتی داد و آنرا در دقایق معین آزاد و با نشاط نگهداشت تا بتواند به ترتیب و بتدریج قوای کار را ترو تازه تر ساخته

مجله ایران و امریکا

نتیجه بهتر در کاربرد آرد. اینستکه همینکه چند ساعتی کار متوالی کردند ساعتی را عمداً بتفریح میبردازند و هرچه کار جدیدتر و مهمتر باشد چاشنی تفریح را برای انجام آن لازمتر می‌شمارند. اگر قدری زیاد کار کنید و چین بابر و بیندازید. می‌گویند. (تیک اپت ایزی) سخت نگیر. سخت نگیر جمله کوچکی است که بنده قائلم در زندگانی ملت امریکا مقام بزرگی را دارد. این دو کلمه زبانزد همه است و میتوان گفت که یک رمز پیشرفت امریکا است. اینهم نا گفته نماند که بعضی افراد زرننگ به پشتیبانی این جمله از بس در تمرین آن زیاده روی میکنند در دست تبتلان درآمده اند ۱۱۱

روح دوستی و همکاری - بعد از تفریح منظور عمده باشکاههای بانکها و تمام مؤسسات بطوریکه در سایر بانکها هم دیدم سعی در ایجاد دوستی است. زیاد می‌شنیدم می‌گفتند که اینجا بانک نیست خانه و فامیل ماست. سعی داشتند تمام عکسها و نقاشیهای آنها را از جشنها و مهمانیها و گردشهای خود بر داشته اند بمن نشان بدهند. راستی هم از حق نمیتوان گذشت روح دوستی در آنها بود و این روحیه از زحمت کار و جلوه زیادی آن کاسته است. حضار محترم میتوانند عکسهای این باشگاه فدرال رزرو بانک را در چند شماره از مجلات آن که بنده روی میز انجمن گذاشته ام تماشا نمایند.

رستوران این بانکهم مانند سایر بانکها در آنزمان که من در آنجا بودم و زمان جنگ بود جریانش از لحاظ ترتیب و نوبت و صرفه جوئی و تشریک مساعی نمونه ای بود از احساسات زنده وطن پرستی و تشریک مساعی افراد امریکائی در اجتماع.

شورای عالی فدرال رزرو سیستم - اکنون اجازه می‌خواهم منم قدری سخت بگیرم و شمای از شورای عالی فدرال رزرو بانک دروازشکنن برایشان تعریف کنم. این شورا مدیر دوازده بانک فدرال و ۲۴ شعب آنها و مشاور اقتصادی دولت است مدیران و اعضاء آن یک عده اشخاص نجبه میباشند که تماس با آنها میفهماند با سایر افراد از لحاظ وزن معلومات و غیره تفاوتهایی دارند. فعالیت این شورا عبارتست از کنترل روزانه تمام بانکهای فدرال و طرح مقررات و قوانین بانکی و اقتصادی و به تصویب رسانیدن آنها گذشته از چیزهای دیدنی بسیاریکه در این شورا هست و یکی از آنها عمارت آنست که مرمرهایش را قسمتی از بلژیک و قسمتی از ایتالیا آورده اند. یک دستگاه مخصوص و بزرگ تلگراف دارند که از آن فقط چهار دستگاه در امریکا وجود دارد شورا با این دستگاه با بانکهای خود مربوط و دائماً کارهای خود را بسر بهترین صورت انجام میدهد. تلفنهای این شورا هم مانند غالب تلفنهای مراکز مهم امریکا قوی هستند و میتوان با آنها آناً با هر نقطه کشور پهناور امریکا صحبت نمود.

موضوع ماشینها و صدها انواع مختلف کوچک و بزرگ آنها از نکاتیست که بنده از بدو ورود بامریکا متوجه آنها شده و سعی داشتم بهر نحو است بانک ملی ایران را از طریق گزارش به مقام مدیریت کل آن متوجه مفهومات خویش نسبت به بعضی از انواع آن سازم. روزی در یک هتل بزرگ نیویورک بملاقات مردی صالح و عالی مقام ایرانی نائل شدم که یا عده‌ای از نمایندگان ایران برای مذاکرات اولیه شورای ملل متحده هازم سانفرانسیسکو بودند و اقدام نمودم که ایشان و آن عده را برای دیدن و مطالعه فوری مکانیزم بانکداری در بعضی بانکهای امریکا گردش دهم تا توانسته باشم از این راه آرزوهای خود را در محل ایجاد آرزو با ارائه مدارک و دلایل به یک عده زمامدار کشور

بانک های آمریکا

نشان داده در ایران از نفوذ کلامشان آن استفاده ابراکه از حرفهای صدها امثال من بعد از سالها در راه خدمت بایران نمیتوان برد بیرم . متأسفانه يك اتفاق بدو ناگوار از انجام این اقدام که با آن موافقت حاصل شده بود مانع شد .

آن مرد محترم جناب آقای اللہیار صالح بودند که در میان حضار تشریف دارند و آن اتفاق بدفوت پسر جوان ایشان بود .

اینرا میخواستم عرض کنم که در اطلاق جلسات شورای فدرال رزرو بانک يك ميز و يك قندیل وجود دارند که میگفتند هر يك پنجهزار دلار ارزش دارد همچنین ارزش هر صندلی آنها نود دلار است میگویند هنگامیکه دوره خدمت هر يك از مدیران شورا یعنی هر نفر از آن هیئت بسر رسید صندلی خود را با خود بخانه میبرد و متصرف میشود اینهم يك عادت امریکائی است !

این شورا و بانکهای فدرال رزرو بیست و پنجهزار نفر افسر و کارمند دارند برای اینکه قدری از اهمیت این شورا صحبت شود بنده قسمی از مقاله سال ۱۹۴۵ یکی از مدیران آن آقای « کاورنر سیمچک » را که اینجانب را بملاقات پذیرفتند میخوانم (مقاله خوانده شد) .
اگر بنده بگویم که یکی از واسطه های مهم فتح امریکا در جنگ فعالیت این شورا و سیستم فدرال رزرو بود گراف نگفته ام چون با ابتکار این سیستم بود که بانکهای امریکا توانستند پول را تثبیت و اوراق وام دولت را در بازار بپردازند و بفروشند و وضع آنها سودمند نگهدارند . بد نیست قدری از جریان



منظره ای از فتح امریکاییان در (آیو جیما) که برای تشویق

مردم جهت خرید اوراق وام منتشر شد .

اوراق وام دولت در زمان جنگ تعریف کنم تا ضمناً علاقه مردم امریکا ببانکها و کشور خود گفته شود

(اینکه هشت مرتبه وام از ملت امریکا گرفته شده در وال استریت چطور فعالیت و پروباکاند فروش میکردند - بوسیله اعلانات - صورتحساب اجناس - رادیو - آهنکهای مسرت انگیز - چطور اوراق وام را بمردم میفروختند قدری مفصل توضیح داده شد) ولی عامل عمده در این امر میل و رغبت خود مردم بود که دوست داشتند با بانکها همکاری کنند . فروشنده و عامل تمام این اوراق که هزینه جنگی امریکا را تأمین مینمود بانکها بودند و این مقیاس خوبی برای فهم میزان مقام بانکها در جامعه است . باری شورای فدرال رزرو سیستم خدمات گوناگون دارد از آنجمله آمار مهم نکات اقتصادی و پولی تمام کشورهای جهان میباشد و این آمار در تصمیمات مهم کشور های متحده در جامعه کره ارض تأثیر دارد چنانکه اثر آن در کنفرانس بین المللی خواربار در قاهره در زمان جنگ درباره بعضی دول کوچک باثبات رسیده است .

اداره چاپ و نشر اسکناس در واشنگتن از مؤسسات مهم مربوط باشورای فدرال

رزرو یکی اداره چاپ و نشر اسکناس دولتی است که آنرا (بورو آو اینگر بونیک) مینامند . يك روز مرا برای مطالعه این بنگاه بزرگ دعوت نمودند کاغذ های مخصوص چاپ اسکناس تحت نظر اداره مخصوصی در این مؤسسه است آنرا ترو خشك و آماده میکنند سپس با ماشینهای دقیق روی هر ورقه ۱۲ اسکناس از يك مبلغ چاپ میکنند . از چیزهای جالب توجه یکی صفحات مخصوص کلیشه اسکناس است نکته دیگر مهارت متصدیان چاپ اسکناس است که غالباً خانها میباشد در نتیجه تجربه و عمل در حالیکه اسکناسها بعد از چاپ به تندی از نظرشان میگذرد کوچکترین عیب را که بیشتر اوقات نقطه ریزی یش نیست کشف میکنند من یکی دو تایی اسکناسهای مورد ایراد را گرفته هر چه خواستم بفهمم جای ایراد آن کجاست نتوانستم و در آنجا مقام تجربه و عمل را مؤثراً درك کردم .

در این اداره از درو دیوار اسکناس می بارد کازبه ها و حتی سبدهای زیرمیزی پراز اسکناس است ! کارمندانی را دیدم که روی بسته های اسکناس نشسته بودند . در قسمت برش اسکناس خانم متصدی آنجا يك بسته اسکناس ده هزار دلاری بدستم داد که وزن آن قریب یکمن و نیم بود وقتیکه پرسیدم چقدر پول در دست منست بر روی بسته اشاره شد حدبیکه روی آن نوشته شده بود باور نکردنی است یکصد و بیست و پنج میلیون دلار !

شاید در آن دقیقه هیچ کس دیگر در جهان بقدر من پول نقد در دست نداشت و از حیث موجودی در کف متمولترین شخص جهان بودم . ثانیه ای چند در احساسات ثروتمندی فرو رفته خواستم لذتی برده باشم ولی هر آن سنگینی بسته اسکناس خسته ام میکرد از طرفی عجله رئیس اداره در گرفتن بسته از دستم زود بر احساساتم خاتمه داد . راستی هم ثروت وفادار نیست . نباید بداشتن آنی آن ولو سالها طول بکشد مغرور شد . از آنوقت بیعد پول در نظر من خوار و بیمقدار شده . امیدوارم که حضار محترم فکر نکنند این سرگذشت بنده هم مانند داستان آن روباهیست که در باغ چشمش به خوشه شاداب انگور بر سر درخت بلندی افتاد هر چه دوزد دید دستش بآن نمیرسد عاقبت باین استدلال که هنوز غوره است و خوردنی نیست دلرا خوش کرده رفت !!!

اداره ذوب فلزات یکی دیگر از بنگاههاییکه با فدرال زرر و سیستم تماس دارد اداره

دولتی ذوب فلزات است که آنرا (یوناپتد استییز آسی آفس) مینامند و در نیویورک است . دولت و بانکهای

بانک های امریکا

امریکا آنچه طلا از خارج می رسد برای اطمینان از مقدار ویژه آن و زدن مارک و هیار مخصوص خود بآن در این کارخانه آب میکنند تقره را هم همینطور . بعضی ورود به این کارگاه شخص در اطراف خود تلهای خاک طلا و تقره می بیند .

دستگاههای کوره الکتریکی با حرارت مخصوصی کار میکنند و در میان کوره ها طلای مذاب موج میزند . برای عملیات ذوب و گرفتن مواد مخصوص و تهیه شمش در هر قدم ترقیبی و عملی مشاهده میشود . از همه جالب توجه تر اداره رسیدگی به قطعات و ریزه طلاست که در آنجا کارشناسان مخصوص هستند با ترازو های حساسی که $\frac{1}{400}$ گرم را با کمال صراحت نشان میدهند ریزه های طلا را وزن میکنند . من يك تکه کاغذ به بزرگی ناخن انگشت کوچکم را در يك طرف یکی از این ترازوها گذاشتم با وزنه مخصوصی وزن کردند شاخص ترازو وزن آنرا خیلی روشن نشان میداد .

جالب توجه اینست که از چند وقت به چند وقت زمین کارگاه ذوب را جارو و گردگیری میکنند تا از طلا و تقره موجود آن استفاده شود من وقت خروج از این کارگاه هر چه لباس خود را تکان دادم که شاید گرد و خاک طلا داشته باشد هیچ نداشت ! امریکاییها در کار خود دقیق هستند حتی گرد طلا را هم نمیگذارند بیجهت بدست اشخاص بیفتد . . .

بانکهای بازرگانی کاش وقت مباداشتم از بانکهای بازرگانی بیشتر برایتان صحبت می کردم

خدمتیکه این بانکها از لحاظ واردات و صادرات مردم میکنند و تشویق و توجیهی که مردم آمریکا باین بانکها دارند داستانی است . يك نکته مهم علاقه مردم بداشتن حساب چك نزد بانکهای خود میباشد . همیشه در صحبت میگویند (my bank) یعنی بانک من هر کس يك بانک دارد و آنرا دوست میدارد . همین علاقه يك واسطه مهم رهائی کشور های امریکا از تشنج اقتصادی شده چون مردم در عوض فشار بیانکها برای پول نقد چك بانک در بفل دارند و شاید نصف خرید و فروش و داد و ستدشان با چك انجام میگیرد و بانکها و دولت مجبور نیستند هر روز اسکناس چاپ کرده و اینطرف و آنطرف حمل کنند . از خدمات مهم اجتماعی این بانکها یکی عملیات تراسه است که معنی اخلاقی آن یعنی اعتماد و از لحاظ بانکی آنرا ودایع میگوئیم . قسمتی از این عملیات وصایاست . بانک ملجاء و پناهگاه ابدآلی مردم شده . میروند وصیت نامه نوشته بپایک میدهند و هست و نیست خود را در آنجا گذارده راحت و بدون خطر بکار و زندگی مشغول میشوند .

انگشتر بصاحبش برمیگردد در مطالعات خود در رشته ودایع پرونده يك مشتری را

دیدم که چند سال پس از وصیت فوت کرده بود بانک مایملک او را تحت حمایت و رسیدگی قرارداد داده بعدها يك شخص ادعا کرده بود که يك انگشتر قیمتی او نزد متوفی مانده . بانک رسیدگی کرده دیده بود بلی متوفی در آن زمان انگشتر سازی میکرده و هنگام فوت انگشتر نزد او با امانت بوده و بآن شخص تعلق داشته است . آنرا از میان انانیه او برداشته با اطلاع دادستان و نظر مقامات قانونی به صاحب انگشتر پس دادند .

وصیت نامه احمد شاه قاجار

احمد شاه در پاریس وصیت کرده و مدرك آنرا بشعبه بانک گارانتی تراسه در پاریس داده است فعلاً آن سند تاریخی با بقیه ارث او در صندوق موقوفه سری و محکم در نیویورک در اداره مرکزی

بانك گاراتتی تراست است و هنوز که هست مطابق همان وصیت نامه بانك مزبور با کمال درستی ودقت در مصرف و پرداخت دارائی او انجام وظیفه میکند . يك پیش آمد شیرین ترجمه و ملاحظه وصیت نامه شاه قاجار بود که بمن دادند . او نوشته است به پسرش ودخترش تا سن چند سالگی چقدر پیردازند ضمناً بفلان صیغه اش هم این مبلغ را بدهند . امریکائیهها اصرار داشتند بنده موضوع صیغه را برایشان کاملاً توضیح بدهم و این مسئله مدتی مایه خنده و تفکر (!) بود و از شما چه پنهان چند امریکائی شوخ میل داشتند سر همین موضوع مسلمان شوند !!!

بانکهای پس انداز

از ۱۴۵۰۰ بانکهای امریکا ۵۰۰ تای آنها بانکهای پس اندازند . انکای مردم متوسط بیشتر باین بانکهاست علاقه مردم باین بانکها و تسهیلات آنها نسبت ب مردم موضوعیست بس دراز . پس انداز کردن هم عادتتی است و عادت در نتیجه عمل مکرر به يك سرمشق معین حاصل میگردد البته عادت بد و خوب دارد . يك عادت بد و لخرچی و اصراف است که همه آنها میدانیم و برای دیدن نمونه آن کافی است نگاهی از همینجا به بعضی جوانان کنتیننتال رو ولاله زار کرد خودمان بیفکنیم برعکس آن يك عادت خوب صرفه جوئی و پس انداز است . این عادت باید با جدیت پدر و مادر در ذهن فرزند جا بگیرد . يك ملت نیز فرزند پدران و مادران فهییده است که این عادت خوب را باو یاد میدهند . هرملتی پدر و مادر یا پدران و مادران مشهور و مشوق داشته . از میان پدران بزرگیکه سرمشقای اخلاقی بزرگ را در قرون مضادی با تعلیم داده اند اسامی سعدی و فردوسی و دیگران همواره در ذهن ماست و اشعار و دروس آنها که راهنمای مشکلات مادی ما بوده و هستند فقا ناپذیرند .

اندک اندک بهم شود بسیار	دانه دانه است غله در انبار
بر آن که خدا زار باید گریست	که دخلش بود نوزده خرج بیست
چه خوش گفت آن نهی دست سلحشور	جوری و ذوالقدر از پنجاه من زور
مبادا که در دهر دیر ایستی	مصیبت بود پیری و ایستی

چون فعلاً صحبت از امریکاست بنده میخواهم نام یکی از پدران اخلاقی امریکائیان را بمیان آورم . او « بنیامین فرانکلن » است که امضاء کننده اعلامیه استقلال کشور های متحده میباشد . تألیفات این مرد بزرگوار خواندنیهای محبوب ملت اوست مخصوصاً مقاله معروف « پور ریچارد » او از آثار بیست که بدون تردید میتوان سهمی از پرورش خوی پس انداز ملت امریکارا مدیون آن دانست . فرانکلن در احتراز از مخارج نامناسب جزئی میگوید « حتی در جزئیترین نکات باید دقت نمود چون ممکن است از يك غفلت کوچک زحمتی بزرگ فراهم شود . نشنیده اید که در نتیجه احتیاج بيك میخ نعلی از بین رفت و در نتیجه احتیاج بنعلی اسبی و عاقبت بعلت نبودن اسب سوار نابود شد چون دشمن باو رسیده هلاکش کرد ؟ این سیه روزی نشد مگر بعلت توجه ننمودن بيك میخ نعل »

در تأکید همان موضوع میگوید « شاید فکر میکنید گاهی نوشیدن قدری مشروب ، صرف بيك خوراک گرانبها و پوشیدن بيك لباس فاخر و یا پدیرائی این و آن امر مهمی نیست در صورتیکه اصل ثروت در همین جزئیاتست گفته اند . رخنه کوچکی که آب از آن میچکد کشتی بزرگی را غرق میکند . »

بانك های امریکا

برای يك نروتمند ولخرج صد سبب تھی دستی وجود دارد پس يك كشاورز بر سر با مقامش بالا تراز بزرگزاده ایست که بزانو در آمده است .

با اشاره باحوال کسی که نروت را بارث برده و بایبی اعتنائی خرج کرده میگوید « چاه که خشك شد آنها قدر آبرا میفهمند »

جای دیگر میگوید « اگر میخواستید قدر بول را بشناسید بروید قدری از آن وام بگیرید چون کسیکه در پی وام میرود در پی وام گرفتن اندوه میرود و در حقیقت آنکسی هم که وام میدهد هنگامیکه در صدد وصول پولهای خود بر میآید احوال وام گیرنده را دارد . »

در اینکه شخص وقتیکه يك چیز شیک خرید میخواست دو تالی دیگر هم بخرد میگوید « در اینموقع دست برسینه هوس نخستین گذاردن آسانتر است تا مبارزه برای رهائی از هوسهاییکه در پی آن خواهند رسید » « آن تنگه است کم مایه ایکه میخواست با مردمان دارا همچشمی کند حماقت نشان میدهد رفتار او بوزغی ماند که بخواست با پرباد کردن شکم خود را بگاوی برابر سازد . »

فرانکلن میگوید چرا باید بانبذیر بیجا خود را تسلیم مجازات فقر نمود خوب گفته اند « غروری که ناهارش بیهودگی باشد شامش استهزاست » « تاخریکه صبحانه اش فراوانی است ناهارش فقر و گدائی و شامش رسوائی است . »

راستی « تظاهر چه معنی دارد ؟ عمری را بآرایش ظاهر تباه کردن و روزگاری را بدلتغوری گذراندن ذره ای میزان تندرستی را بالا نیبرد این هوس خانمانسوز جز ایجاد حرص و حسادت و تسریع بدبختی هنری دارد ؟ خود آرای مغرور را با پروانه رنگینی که گرمی بیش نیست چه فرقی است ؟ فرانکلن هم عقیده دارد « افلاس عنان از کف تقوی برهاند » اینست که میگوید « کیسه تھی را نمیتوان بر پا نگاهداشت » همچنین عقیده دارد که « حافظه طلبکار قویتر از حافظه بدهکار است » طلبکاران رسته ای موهوم پرشند روز هائی معین و اوقاتی ثابت را همیشه بندهن میسپارند (با این وصف امیدوارم در این انجمن نه طلبکار باشد نه بدهکار) روز سر رسید وام زود می رسد بدهکار پیش از اینکه خود را آماده سازد نامه مطالبه بستانکار بدستش داده میشود . مدت وام که در آغاز چنان دراز بنظر میرسد هر چه بر سر رسید نزدیکتر میشود کوتاهی آن مسلمتر و محسوس تر میگردد . مثل اینکه « وقت » اضافه بر بالهائیکه بر شانه دارد دو بلالهم از پاشنه های خود در آورده و با چهار بال میرد . برای گرفتار نشدن بوام شخص باید آنچه را که میتواند بیندوزد و آنچه را میاندوزد نگهدارد این رویه همچون سنگی است که برور تبدیل بگوهر میشود .

فرانکلن در آخر مقاله خود نتیجه چنین میگیرد که یگانه راه احتراز از مقروض شدن و طریق فراهم نمودن وسایل شرافتمندانه زندگی رعایت صرفه جوئی است که باید افراد بآن عادت کنند .

بلی - مورگرد آورد بتابستان تا فراغت بود زمستانش

خوشبختانه این خوی پسندیده از چند سال باینطرف در نتیجه خدمات بانك ملی ایران در میان مردم شیوع یافته و مبالغ مهمی پس انداز شده . برای بکمال رسانیدن این موضوع که با خوشبختی افراد و استحکام مادی کشور سر و کار دارد جوائزی که امسال شانس اول آن یکصد و پنجاه هزار ریال است تعیین نموده اند .

از اعضاء محترم انجمن خواهش میکنم با افراد فامیل خود سفارش فرمائید هر کدام حساب پس انداز ندارد از فردا فوراً در صدد باز کردن يك حساب بر آیند شاید شانس بزرگ جوائز نصیب این انجمن گردد !